

امام خمینی (ره) و توسعه‌ی فرهنگی

• دکتر محمدحسن شیبانی فر*

چکیده

رشد و توسعه از دیدگاه امام (ره) مفهومی وسیع و فراگیر دارد به گونه‌ای که همه‌ی ابعاد وجود انسان را شامل شده و او را از تک بعدی و تک ساختی بودن در گرایش‌های مادی رها ساخته و معنویت، اخلاق، تهذیب نفس و قرب الی‌الله را در مسیر اهداف و زندگی او قرار می‌دهد.

فرهنگ، هم‌زیر بنای توسعه و هم عامل آن و هم هدف و نتیجه‌ی توسعه تلقی شده است. فرهنگ هر ملتی نشانه‌ی هویت و استقلال اوست. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه‌ی حیات و قدرت یک جامعه است. ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. تمدن سیمای تجسم یافته‌ی فرهنگ و از مظاهر برجای ماندنی و باقی آن است. همه‌ی مردم عموماً و حکومت خصوصاً و بالأخص بخش‌های مربوطه همانند حوزه و دانشگاه و... در حفظ و ارتقا و توسعه‌ی فرهنگ ملی و اسلامی مسئول می‌باشند.

در این مقاله به ابعادی از توسعه‌ی فرهنگی اشاره شده که دارای سه ویژگی

است:

۱. از دیدگاه امام دارای اولویت و اهمیت می‌باشد.
۲. این عوامل برآمده از توسعه‌ی فرهنگی بوده و معلول آن به شمار می‌آید.
۳. همچنین علت و تأثیرگذار بر توسعه‌ی فرهنگی نیز تلقی شده و در رشد و سرعت آن مؤثر می‌باشد.

سوادآموزی، خودباوری، حوزه و دانشگاه، آزادی، صدا و سیما و رسانه‌ها از مباحث این مقاله است.

۳۳ امروز جایگاه و اهمیت توسعه به گونه‌ای است که یکی از شاخص‌های تفکیک و تشخیص کشورهای پیشرفته از عقب‌مانده به شمار می‌آید. یکی از ابعاد توسعه در کشورها توسعه‌ی فرهنگی است، و با توجه به تأثیرگذاری فرهنگ هر جامعه در اقتصاد و سیاست آن، نقش توسعه‌ی فرهنگی و اهمیت آن در هر جامعه به خوبی به دست می‌آید. ذکر این نکته لازم است که منظور از فرهنگ مجموعه اعتقادات، باورها و سنت‌ها در یک جامعه است؛ و از توسعه لزوماً معنای گسترش و افزایش منظور نیست، بلکه گاه اصلاح و یا تغییر در جهت رشد و تعالی جامعه منطبق با اهداف و سیاست‌های توسعه در همین راستا انجام می‌پذیرد. به دلیل آنکه موضوع سخن، تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) در توسعه‌ی فرهنگی است ابتدا تعریف امام از فرهنگ و جایگاه آن در جامعه لازم به نظر می‌رسد. از دیدگاه امام، فرهنگ هویت و موجودیت یک جامعه را شکل می‌دهد و در تحولات اجتماعی نقش اساسی و زیربنایی دارد و اصلاح آن نخستین گام، در اصلاحات ابعاد دیگر جامعه باید دیده شود: «اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد؛ و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است.»^۱ «فرهنگ مبدأ همه‌ی خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است.»^۲ «راه اصلاح یک مملکتی (اصلاح) فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود.»^۳

هدف توسعه‌ی فرهنگی

بر اساس دیدگاه امام هدف از توسعه‌ی فرهنگی: زدودن وابستگی، دستیابی به استقلال، خوشبختی، شرافت و انسانیت و اصلاح جامعه و ساختارهای آن در دیگر ابعاد است. و به دلیل ارتباط توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی با توسعه‌ی فرهنگی و وابسته بودن هر یک به دیگری امام برای توسعه‌ی فرهنگی نسبت به آن دو اولویت قایل است، و هر توسعه‌ی واقعی را متأثر از توسعه‌ی فرهنگی می‌بیند. امام ریشه‌ی سلطه غرب را در سلطه‌ی فرهنگی او دیده است «این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، هم‌ش این سلطه فرهنگی بوده است.»^۴ امام در پیامی که به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاهها در سال ۱۳۵۸ صادر شد چنین می‌گویند: «بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابر قدرتها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر

وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد. تا استقلال فکری برای ملت حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد... برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی خود، مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است] و ما در همه‌ی ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم»^۵ بر اساس نظریه‌های توسعه، هدف از توسعه و سیاست‌های اتخاذی در توسعه متفاوت است. امام هدف توسعه را در تولید امکانات فرهنگی، توسعه علم، رفاه و بهبود کیفیت زندگی محدود نمی‌کند، بلکه این همه را زمینه و ابزار هدف واقعی توسعه یعنی الهی شدن انسان، شکوفایی ابعاد معنوی و روحانی در انسان و تهذیب نفس او می‌داند. از این رو می‌توان از دیدگاه امام انسان را محور توسعه دانست و هدف نهایی توسعه را در ارتقای معنوی و تهذیب انسان خلاصه نمود. با این توضیح به تبیین برخی از ابعاد توسعه‌ی فرهنگی با منظور داشتن دیدگاه امام در توسعه و گسترش فرهنگی می‌پردازیم.

ابعاد توسعه‌ی فرهنگی

۱- سواد آموزی

نخستین گام در توسعه‌ی فرهنگی در هر کشوری، توانایی زن و مرد آن جامعه در بهره‌مند شدن از متون و مکتوبات و قدرت بر مکتوب کردن خواسته‌ها و امیال و دانش و تجربه خویش است. بدون بهره‌مندی از این نعمت، تمامی اقدامات و فعالیتهای دولت و جامعه در گامهای بعدی بی تأثیر و یا کم‌تأثیر و ابتر خواهد بود. جامعه‌ای که دچار چنین محرومیتی است، قطعاً در فقر و رنج مضاعف درگیر خواهد بود. با اهتمام اسلام و پیامبر او بر فراگیر شدن دانش، روشن می‌شود که افراد و جوامعی که از این بینایی محروم‌اند، از این دین و آیین آن فاصله دارند. دینی که معجزه‌اش کتاب است. نام آن «قرآن» (خواندنی) است، اولین آیه‌ی نازل شده‌ی آن با «بخوان» شروع می‌شود، به «قلم» سوگند یاد کرده و آن را بزرگ و مقدس می‌شمارد و سوره‌ای را به آن اختصاص می‌دهد و پیامبرش اسیران جنگی را در برابر با سواد کردن ده مسلمان آزاد می‌کند و برای دانشمندان و قلم‌آنان ارزشی بیش از جهاد و خون مجاهدان قایل است. طبعاً دانش‌آموزی در این گونه جوامع بایستی زایج و فراگیر باشد. امام خمینی (ره) با

۳۵ پیروزی انقلاب دستور تأسیس نهادی با عنوان «نهضت سوادآموزی» داد. و تعلیم و تعلم در آن را عبادت دانسته و همه‌ی افراد محروم از نعمت سواد را به یادگیری و علم آموزی فرا می‌خواند. امام در این زمینه چنین می‌گوید: «ما مبارزه با بی‌سوادی را به نحو احسن اجرا خواهیم کرد.»^۶ «مایه‌ی بس خجالت است در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه‌ی اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته، از نوشتن و خواندن محروم باشد.»^۷ «تمام بی‌سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند.»^۸ این اهتمام به دلیل آن است که سوادآموزی آغاز کار و مقدمه دانش‌آموزی است. علم و دانش و لزوم فراگیری آن در اسلام به دوره خاصی از عمر، یا اشخاص خاص و یا به زمان و مکان خاصی محدود نیست و فراغت از تحصیل را اساساً واژه‌ای بی‌معنی می‌داند. «هر انسانی تا آخر عمرش هم علم احتیاج دارد و هم به آموزش و پرورش...»

رشد تحقیقات و گسترش امر پژوهش باچنین رویکردی از ارزش‌گذاری میسر خواهد بود و نتیجه‌ای که مطلوب اسلام است، یعنی غلبه قلم‌ها بر مسلسل‌ها در این هنگام قابل دستیابی است. «بشر تا در سایه مسلسل و توپ و تانک می‌خواهد ادامه حیات بدهد، نمی‌تواند به مقاصد انسانی برسد. آن وقتی مردم به مقاصد اسلامی و انسانی می‌رسند، و به کمال دانش و علم می‌رسند که قلم‌ها بر مسلسل‌ها غلبه کند، و دانش‌ها در بین بشر به آنجا برسد که مسلسل‌ها را کنار بگذارد و میدان، میدان قلم باشد، میدان علم باشد.»^۹ و بالأخره در پیامی مهمترین عامل در خودکفایی را توسعه‌ی مراکز علمی و پژوهشی می‌داند «مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه‌ی مراکز علمی و تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات، و تشویق همه جانبه‌ی مخترعین و مکتشفین و نیروهای متخصص و متعهدی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند، و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق را به درآمده، و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند.»^{۱۰}

۲- خودباوری

بی‌تردید یکی از بزرگترین انگیزه‌های امام در قیام علیه نظام شاهنشاهی وابستگی رژیم به قدرتهای بیگانه بوده است. خودباختگی، سلطه‌پذیری، از خود بیگانگی و غرب‌زدگی

عناصری است که روح غیور او را رنج داده است. البته تعامل فرهنگ‌ها و دادوستد در آن امری طبیعی است. داشتن علم دیگران، فرهنگ دیگران و صنعت دیگران تا آنجا که به سلطه‌گری نینجامد مسأله‌ای نیست، بلکه اسلام به فراگیری آن مسلمانان را واداشته است. مرعوب بیگانه شدن، به تمسخر گرفتن ذخایر و اندوخته‌های خودی و از بیگانه نسخه گرفتن که چه بکنیم؟ چه باشیم؟ که باشیم و چگونه زندگی کنیم؟ مورد نکوش است. همان برهنگی که اقبال از آن می‌گوید و با نقل داستانی به زیبایی نیاز مسلمانان را در بازگشت به هویت اسلامی خویش بیان کرده است:

ما از آن خاتون طی عریان‌تریم پیش اقوام جهان بی‌چادریم

در یکی از جنگ‌ها دختر حاتم طایی اسیر شد، وقتی این دختر را پیش پیامبر(ص) آوردند نیمه برهنه بود. پیامبر(ص) عباى خود را روی آن دختر انداختند تا پوشیده بماند. اقبال می‌گوید ما در این روزگار، از دختر حاتم طایی هم لخت‌تر مانده‌ایم و آن همه عزت و شرف خود را از کف داده‌ایم و پیش تمام اقوام دنیا، بی‌چادر شده‌ایم. پیامبری می‌خواهیم که دوباره با عباى خودش ما را ببوشاند.

نظام سلطه برای تحمیل و ترویج فرهنگ و ارزش‌های نظام خود ناچار است ملت‌ها را علیه فرهنگ، سنت‌ها، علایق روحی و فکریشان بشوراند، و به گفته‌ی شاد روان جلال آل‌احمد: «هجوم استعمار نه تنها به قصد غارت مواد خام معدنی و مواد پخته آدمی - فرار مغزها - از مستعمرات صورت می‌گیرد، بلکه این هجوم، زبان، آداب و موسیقی و اخلاق و مذهب محیط‌های مستعمراتی را نیز ویران می‌کند»^{۱۱} امام با شناختی که از عملکرد استعمار در سال‌های پیش از انقلاب داشته است، خطر آن را این‌گونه گوشزد می‌کند: «به قدری ما را از پیشرف‌های خود و قدرت‌های شیطانیشان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و بپرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی، موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید کنیم. بلکه از ادب و فرهنگ و صنعت و ابتکار، اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده‌ی بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی، هر چه مبتذل و مفتضح باشد، با عمل و گفتار و

نوشتار ترویج و با مداحی و ثنا جویی، آنها را به خورد ملتها داده و می‌دهند. فی‌المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری، چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن، با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسندگی آن را، دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند. و از گهواره تا قبر، به هر چه بنگریم، اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گذاری شود، مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب، و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود، مطرود و کهنه و واپس‌زده خواهد بود.^{۱۲}

استاد شهید مطهری ضمن آنکه استعمار فرهنگی را مقدمه‌ی استعمار اقتصادی و سیاسی می‌داند، چنین می‌گوید: «برای بهره‌کشی از فرد باید شخصیت فکری او را سلب کنند و او را به آنچه مال خودش است بد بین کنند و در عوض او را شیفته‌ی هر آنچه از ناحیه‌ی استعمار عرضه می‌شود بسازند. می‌باید در مردم حالتی به نام تجدد زدگی به وجود بیاورند به طوری که از آداب و رسوم خودشان متنفر بشوند، اما از آداب و رسوم بیگانه خوششان بیاید. می‌باید آنها را به ادبیات خودشان، به فلسفه خودشان، به کتابهای خودشان، به دانشمندان و مفاخر علمی و فرهنگی خودشان بد بین کنند و در عوض مسحور ادبیات، فلسفه و کتاب‌های دیگران کنند.»^{۱۳}

خودباوری در نگاه امام جایگاه ویژه‌ای دارد. و پیشبرد همه امور را در گرو آن می‌داند. اگر این معمای روحی و فکری حل شود اولین و اساسی‌ترین قدم برای رسیدن به خودکفائی و استقلال برداشته شده است. «اعتماد به نفس بعد از اعتماد به خداوند منشأ خیرات است.»^{۱۴} «بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد.»^{۱۵}

تلاش بزرگ امام تزریق روحیه‌ی خودباوری و خود اتکایی به کالبد جامعه بود: «باید به خود بیاوریم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند، و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف عقیده آنان را تحمیل کنند.»^{۱۶} در سخنان امام، از دل‌بستگی به فرهنگ بومی و هویت اسلامی و ملی و کوشش در جهت حفظ و اعتلای آن، اعتماد به نفس و قطع امید از بیگانگان به همراه عزم و اراده، تلاش و هشیاری و شناخت استعدادها و امکانات و ذخایر درونی شرط خود باوری و موفقیت در توسعه‌ی فرهنگی، راه رسیدن به آن یاد شده است.

۳- حوزه و دانشگاه، نقش و جایگاه

امام(ره) نقش حوزه و دانشگاه را در تحولات فرهنگی و توسعه‌ی آن بسیار مهم ارزیابی می‌کند. ریشه‌ی صلاح و فساد مردم و جامعه را در آنجا می‌بیند. از این رو اجرا و تحقق اصلاح و توسعه‌ی واقعی را ابتدا در همین مراکز لازم می‌داند. حوزه و دانشگاه را مکرر به تهذیب و تعهد فرامی‌خواند. و از تحجّر و غرب‌زدگی باز می‌دارد. در همان زمان روحانیت و حوزه‌ها را در برابر انحرافات و استعمار سدّ بزرگی دانسته است. «تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد، در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج روی‌ها بوده‌اند.»^{۱۷} اما از اجتهاد مصطلح در حوزه، مقدّس مآبی، تحجّر گرایان و روحانی نمایان بارها نالیده است و حوزه‌ها را به هشیاری و پیشتازی دعوت کرده: «حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند، و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند.»^{۱۸} همچنین دانشگاهها را مراکز اداره امور کشور، تربیت نسل‌ها و تعیین‌کننده مقدرات کشور می‌بیند. «دانشگاه مبدأ همه تحولات است.»^{۱۹} استقلال دانشگاهها، به روز شدن حوزه‌ها، پیوند این دو در کنار تعهد و تهذیب موجب سعادت یک ملت و کشور و اصلاح توسعه آن است. «توجه داشته باشید که اگر دانشگاه و فیضیه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خودش را بیمه می‌کند.»^{۲۰}

۴- آزادی

آزادی سیاسی و اجتماعی ضمن آنکه برآمده از توسعه‌ی فرهنگی است، خود نیز مقدّم و گسترش دهنده آن است. آزادی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی و از جمله آزادی قلم و آزادی بیان تا جایی که به ضرر مردم نباشد و در چارچوب اسلام و قوانین کشوری باشد، هیچ کس نمی‌تواند آن را محدود کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هنگام تصویب، نسبت به آزادی مطبوعات با ابهام مواجه بود. هنگامی که کمیسیون، اصل مربوطه را تصویب کرد متن آن چنین بود: «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده آزاد است و آنچه مخالف عفت عمومی، توهین به شعایر دینی، فاش کردن اسرار نظامی یا مخل به استقلال و تمامیت ارضی و امنیت

عمومی کشور یا موجب گمراهی مردم باشد ممنوع است. مجازات تخلف از این اصل را قانون تعیین می‌کند»^{۲۱}

امام نسبت به مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی مردم و آزادی‌هایی که موجب شکوفایی استعدادها و در جهت توسعه‌ی سیاسی، فرهنگی اقتصادی جامعه باشد و از جمله انتقادات سازنده از دولت تأکید داشتند: «مسأله‌ی دیگر راجع به انتقاد. البته روزنامه‌ها باید مسایلی را که پیش می‌آید نظر کنند. یک وقت انتقاد سالم است، این مفید است؛ یک وقت انتقام است نه انتقاد، این نباید باشد؛ این با موازین جور در نمی‌آید. انسان چون با یکی خوب نیست او را در مطبوعات بگوید کار درستی نیست. اما اگر کسی خلاف کرده است باید او را نصیحت کرد. پرده دری نباشد ولی انتقاد خوب است»^{۲۲}

نسبت به آزادی زنان و نقش آنان در فعالیت‌های اجتماعی در نگاه دینی کلیه‌ی آزادی‌هایی که مطرح است محدود و مقید به قشر خاصی نیست. اما سابقه‌ی تاریخی نشانگر محرومیت زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان به ویژه در جوامع سنتی آن هم به اسم دین می‌باشد.

امام(ره) درباره موضع اسلام نسبت به آزادی‌های زنان، نه تنها زنان را در اسلام آزاد، می‌داند بلکه اسلام را پایه‌گذار آزادی زنان می‌بیند. «اسلام با آزادی زنان نه تنها موافق است، بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است»^{۲۳} «اسلام به زن‌ها بیشتر عنایت کرده است تا مردها. اسلام زن‌ها را، بیشتر حقوقشان را ملاحظه کرده است تا مردها. زن‌ها حق رأی دارند، از غرب بالاتر است این مسایلی که ما برای زن‌ها قایل هستیم، حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند، همه این‌ها هست؛ معاملاتشان به اختیار خودشان هست و آزاد هستند، اختیار شغل آزاد را دارند»^{۲۴}

۵- صدا و سیما و رسانه‌ها

قانون اساسی یکی از مهم‌ترین رسالت‌های صدا و سیما را توسعه‌ی فرهنگ و حفاظت و پاسداری از آن در سراسر کشور می‌داند. رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما همان‌گونه که در انتقال فرهنگ نقش اساسی دارند در توسعه‌ی فرهنگی نیز یک عامل مهم به شمار می‌آیند. امام نقش صدا و سیما را در جامعه به یک دانشگاه عمومی تعبیر می‌کند. به این

معناست که مسایل علمی و داده‌های آن پس از تصفیه از قالب‌های تخصصی به قالب‌های عمومی تبدیل گردد و به صورت همه کس فهم درآید. این نه به معنای کشانده شدن آموزش‌های دانشگاهی به صدا و سیما و نه به معنای تنزل دادن علم است، بلکه به معنای قابل فهم شدن عمومی مسایل علمی و فرهنگی است، تا با ارتقا و رشد سطح آگاهی و بینش مردم، توسعه در آن جامعه رشد بیشتری یابد. امام با بینشی عمیق و مردم‌گرایانه از این‌که رسانه‌ها در خدمت دولت باشد یا از منافع طبقه‌ی خاصی حمایت کند، پرهیز می‌دهد. «روزنامه‌ها مال طبقه سوم است، مال طبقه اول نیست، و این هم نیست که همه‌اش مال حکومت باشد»^{۲۵} و نقش رسانه‌ها و نشر را هم چون جهاد و با اهمیتی هم چون خون شهیدان می‌داند: «آن‌که از همه خدمات‌ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد، و این به عهده‌ی مطبوعات است. اهمیت انتشارات مثل اهمیت خون‌هایی است که در جبهه‌ها ریخته می‌شود»^{۲۶}

جمع بندی

رشد و توسعه از دیدگاه امام(ره) مفهومی وسیع و فراگیر دارد به گونه‌ای که همه ابعاد وجود انسان را شامل شده و او را از تک بعدی و تک ساختی بودن در گرایش‌های مادی رها ساخته و معنویت، اخلاق، تهذیب نفس و قرب الی‌الله را در مسیر اهداف و زندگی او قرار می‌دهد.

فرهنگ، هم زیر بنای توسعه و هم عامل آن و هم هدف و نتیجه‌ی توسعه تلقی شده است. فرهنگ هر ملت‌ی نشانه‌ی هویت و استقلال اوست. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه‌ی حیات و قدرت یک جامعه است. ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. تمدن سیمای تجسم یافته‌ی فرهنگ و از مظاهر بر جای ماندنی و باقی آن است. همه‌ی مردم عموماً و حکومت خصوصاً و بالأخص بخش‌های مربوطه همانند حوزه و دانشگاه و... در حفظ و ارتقا و توسعه‌ی فرهنگ ملی و اسلامی مسئول می‌باشند.

منابع و مأخذ

۱. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، امام خمینی(ره)، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۷۵.
۲. همان.
۳. همان، ص ۱۷۶.
۴. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۱۸.
۵. همان، ج ۹، ص ۱۸۶.
۶. کلمات قصار، ص ۲۰۵.
۷. همان، ص ۲۰۵.
۸. همان.
۹. همان، ص ۱۸۸.
۱۰. همان، ص ۲۰۲.
۱۱. آل احمد، جلال، خدمت و خیانت روشنفکران، ص ۵۲.
۱۲. وصیت‌نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۵ - ۱۶.
۱۳. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.
۱۴. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۵.
۱۵. همان، ج ۲۱، ص ۱۸۴.
۱۶. همان، ص ۱۹۸.
۱۷. کلمات قصار، ص ۱۸۹.
۱۸. همان، ص ۱۹۴.
۱۹. همان، ص ۱۹۹.
۲۰. همان، ص ۲۰۳.
۲۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ج ۱۱، ج ۱، ص ۶۴۵.
۲۲. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۱۶.
۲۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۲.
۲۴. همان، ج ۵، ص ۲۲۱.
۲۵. کلمات قصار، ص ۱۷۹.
۲۶. همان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی